## خبرها

### نامه‌های پاریس
### از محمد قزوینی به تقی‌زاده

**شرق:** کتاب «نامه‌های پاریس» منتشره از سوی انتشارات قطره در واقع نامه‌های ارسالی از سوی محمد قزوینی به سیدحسن تقی‌زاده در موضوعات شخصی است که چاپ اول آن به کوشش ایرج افشار در سال ۱۳۵۳ انتشار یافته است. چاپ سوم کتاب نیز به مناسبت پنجاهمین سال درگذشت قزوینی به این نام از سوی انتشارات قطره و در ۴۲۷ صفحه و با قیمت ۴۵۰۰ تومان منتشر شده است. دو چاپ پیشین این کتاب، با نام «نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده» انتشار یافته بود. کتاب، متن کامل ۵۵ نامه محمد قزوینی پژوهشگر، نویسنده و ادیب ایرانی به تقی‌زاده بین سال‌های ۱۹۱۲ الی ۱۹۳۹ میلادی است. محمد قزوینی متولد سال ۱۸۷۷ در تهران است. وی برای مطالعه نسخ خطی کتاب‌های عربی و فارسی در سال‌های ۱۹۰۵ - ۱۹۰۳ در لندن اقامت داشت و بنابه تقاضای پروفسور «ادوارد براون» و هیات امنای «بنیاد اوقاف گیب» برای ادامه فعالیت‌های پژوهشی و ادبی خود از سال ۱۹۰۵ الی ۱۹۱۵ به برلین عزیمت کرد و سپس مدیریت روزنامه فارسی «کاوه» را برعهده گرفت. محمد قزوینی معرف و توسعه‌دهنده روش پژوهش به روش غربی (روش علمی پژوهشی) در ایران محسوب می‌شود. وی بسیار می‌خواند و پژوهش می‌کرد و کمتر می‌نوشت. از قزوینی حدود ۲۰ اثر ادبی برجای مانده است. کتاب نامه‌های پاریس با کوشش ایرج افشار انتشار یافته است. افشار یکی از نویسندگان پرکار در عرصه‌های مختلف اجتماعی - ادبی و به ویژه تاریخ یکصد سال اخیر است. موضوع نامه‌ها شامل مسائل مختلفی است که مهم‌ترین آنها «شایعه قتل اشراف‌زاده، تقی‌زاده و سرحدات ایران، خرافات در مکتب قدیم، دوره‌های زبان فارسی، معرفی محمد اقبال، علت عدم اطلاع ساسانیان از هخامنشیان، تاسیس روزنامه‌های ایرانی، انتقاد از بعضی از مستشرقین، اقامت تقی‌زاده در پاریس، تجدید طبع مرزبان‌نامه، جشن فردوسی در پاریس، عذرخواهی از تقی‌زاده و پاسخ به سئوالات وی، قلب حقایق تاریخی و قطع رابطه ایران و فرانسه» نام دارد.

### واژگان و اصطلاحات فرهنگی

**شرق:** کتاب «واژگان و اصطلاحات فرهنگی» نوشته علی اصغر قره‌باغی از انتشارات سوره مهر است. در این کتاب ۳۳۴ صفحه‌ای که با قیمت ۳۳۰۰ تومان ارائه شده است، نویسنده تلاش کرده است برخی از متداول‌ترین و در ضمن پیچیده‌ترین واژگان و اصطلاحات فرهنگ جهانی در قالب یک مقاله و بحث مستقل مورد بررسی قرار گیرند.

در همین راستا به پیشینه و تبار هر واژه اشاره شده است. پیش‌زمینه‌های فکری و معانی نهفته در پس هر اصطلاح بررسی شده و به کارکردهای آن در نقد و نظرهای امروز پرداخته شده است. در خلال بحث‌ها به شکلی فشرده و مختصر به پاره‌ای از واژگان ازجمله پوئتیک و هرمنوتیک و کلام‌محوری نیز اشاره شده است. از نیمه‌های دهه ۱۹۶۰ میلادی که ساختارگرایی و تئوری نقد هنری مبتنی بر آن به شکلی همه‌گیر در عرصه هنر و ادبیات رواج یافت برخی از مفاهیم و واژگان و اصطلاحات پیوسته به این نظریات هم معانی تازه و مضاعف پیدا کردند و یکی از بحث‌انگیزترین نحله‌های فکری و فلسفی جدید را پدید آوردند. در دو دهه پایانی قرن بیستم، جهان ناظر یک دگرگونی بزرگ در تئوری هنر و ادبیات بود و در دایره اندیشگی انسان، مطالعات ادبی و هنری به نحوی اجتناب‌ناپذیر به محورهای فلسفی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی درآمیخت. همگام با این تحولات، واژگان و اصطلاحات فرهنگی نیز ضمن یافتن شاخص‌های ساختی عمیق، مرزها و فاصله‌ها را درنوردیدند، به انحای مختلف در سطح دانش جهانی مورد استفاده قرار گرفتند و در شکل بخشیدن به فرهنگی که می‌توان با قید احتیاط آن را فرهنگ جهانی نامید نقشی برجسته ایفا کردند. طبیعت این واژگان به گونه‌ای است که اگر تمام وجود آنها شناخته نباشد، نمی‌توانند در کل ادراک، روشنی پدید آورند و کارکرد درست خود را پیدا کنند.

### چیستی هنر

**شرق:** چیستی هنر نام کتاب جدید موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی است که شش مقاله در زمینه هنر را منتشر کرده است. معماری چیست؟ (محمد بهشتی)، مرگ هنر در دوره مدرن (شهرام پازوکی)، هنر، عشق، زیبایی و رویکرد اجتماعی (زهرا رهنورد)، بحران تاریخ در آینده هنر (محمد رجبی) و فلسفه و چیستی هنر (محمد ضیمران) نام شش مقاله‌ای است که در این کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای انتشار یافته است. مسئولان موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی به انگیزه ایجاد زمینه مناسب برای تعاطی افکار، عرضه و ترویج جامعه‌نگری در کسب دانش و معارف بشری و تعمیق نگرش دانش‌پژوهان حق‌جو و در یک کلام رشد و تعالی جامعه، درصدد برآمدند با دعوت از اندیشمندان و صاحب‌نظران جلسات سخنرانی و گفت‌وگویی درباره مسائل فکری جامعه برگزار کنند و حاصل آن را به صورت کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند. کتاب چیستی هنر در تیراژ دو هزار نسخه و با قیمت ۱۲۰۰ تومان در اختیار علاقه‌مندان به هنر قرار گرفته است.

# آهن‌ها و احساس

## تاملی بر تلقی روشنفکری و تفکر روایی در آثار محمد قوچانی

مهدی یزدانی خرم
yazdani@Sharghnewspaper.com

نوشتن درباره محمد قوچانی و بحث درباره دو کتاب «سه اسلام» و «پدرخوانده و راست های جوان» شاید به تبارشناسی‌ام از قوچانی منجر شود که ادامه‌دهنده و شاید احیاکننده یک سنت در مقاله‌نویسی سیاسی - اجتماعی باشد. محمد قوچانی در این کسوت دارای ویژگی‌ها و مولفه‌هایی می‌شود که از یک سو سر در نوعی محافظه‌کاری مدرن دارد و از سوی دیگر سودای تبدیل کردن مفاهیم تاریخی به شکلی ادبی یا روایی‌تر. شاید به همین دلیل باشد که نوع قلم و چیدمان کلمات‌اش چندی از مخاطبان او را به خشم آورده و همان اتهامی را موجب شود که اغلب نویسندگان ژورنالیست نیمه دوم دهه ۴۰ و سال های دهه ۵۰ به آن منتسب شدند. ساختار این اتهام به پایه انعطاف‌پذیری و در عین حال مستقر کردن جهت فکری آن نویسندگان استوار شده بود. به طور مثال، براهنی روزنامه‌نویس با وجود مواضع روشن قلمی‌اش مدام در حال تغییر دادن تحلیل‌های خود بود و می‌توانست چرخش‌های فکری‌اش را بدون ابا و در سایه نثری شناسنامه‌دار به تصویر کشد. قوچانی برخاسته از همان سنت است، سنتی که در آن درآمیختن روایت‌های نفس‌گیر و پر از خرده‌داستان‌های تاریخی «ایده» اصلی را پنهان کرده و باعث می‌شود تا مخاطب ایرانی که عادت به روایت شدن را در پستوی خانه نهان کرده به رویارویی با متن‌اش دچار شود. دو کتاب آخر او یعنی، سه اسلام و پدرخوانده و راست‌های جوان، موید همین نکته اساسی هستند. در کتاب اول مقالاتی کنار هم قرار گرفته‌اند که در آنها وضعیت رهبری شیعه و گرایش‌های مختلف فکری و سیاسی آن از روزگار بروجردی فقید گرفته تا احوالات دو شهید مشهور یعنی مطهری و بهشتی به «روایت» درمی‌آیند. چنین مشی و نگره‌ای در کتاب پدرخوانده و راست های جوان نیز دیده می‌شود. در این کتاب قوچانی با بررسی روزگار پایانی اصلاح‌طلبان و گزارش تکه های تاریخی تاثیرگذار در سرنوشت اینان، پلی به چگونگی بازسازی چهره‌های جدید اصولگرایان زده و در مقاله‌هایی با حجم‌های مختلف جنبه‌های پراگماتیک‌تر، این روند سیاسی زنده را به نمایش می‌گذارد. برای من به عنوان یک ادبی‌نویس که جریان‌شناسی تاریخی روشنفکری و ادبیات علاقه‌ای فکری و قلمی بوده است، نگاه به این آثار موید درک ویژگی‌های نوعی جریان‌شناسی مدرن است که در فرآیند آن با چهره روزنامه‌نگاری روبه‌رو می‌شویم که تئوریزه کردن مفاهیم گریزپای ادبیات سیاسی در سایه درکی تاریخی و از همه مهم‌تر «روشنفکرانه» صورت پذیرفته است. برای گزارشی از این معنا نیازمند بازخوانی دو مولفه اصلی در نگاه محمد قوچانی هستیم.

**سه اسلام**
**محمد قوچانی**
**انتشارات سرایی**
**چاپ اول- ۱۳۸۵**
**تعداد: ۴۰۰۰**
**قیمت: ۲۲۰۰**

### ■ در دفاع از روشنفکران

هر دو کتاب اخیر محمد قوچانی، دو تقدیم‌نامه را بر پیشانی خود دارند.

سه اسلام به «روح بلند» آیت‌الله بروجردی و پدرخوانده و راست های جوان به روح بلند مهندس بازرگان تقدیم شده است. این تقدیم‌نامه‌ها در کنار محور قرار گرفتن این شخصیت‌ها در بسیاری از مقاله‌های منتشر شده در کتاب نشان از دلبستگی فکری نویسنده به دو سنت مهم دارد. در این سنت‌ها - که قوچانی مدام در حال بازخوانی چهره آنها در شرایط مختلف و ادوار زمانی گوناگون است - ما با واقعیت‌هایی روبه‌رو هستیم که طی آن اصلاح‌طلبی جنبه‌های روشنفکرانه پیدا می‌کند. جالب اینکه هر دوی این سنت‌ها در برهه‌های مختلف تاریخی نادیده گرفته شد و نگاه‌های دیگری جایگزین آنها شد. محمد قوچانی از دل این سنت‌ها نظام‌هایی را کشف می‌کند که در آنها «رئالیسم»- به معنای درک هویت زمان - نقش پرنگ‌تری دارند و ترکیب‌هایی چون روشنفکری دینی، اسلام فرهنگی، روشنفکری عرفی، فقیهان کارگزار و... تبدیل به مفاهیمی می‌شوند که نویسنده بر سر بازخوانی دوباره وضعیت و دستاوردهای آنها است. در پس این تلاش روحیه‌ای دیده می‌شود که قوچانی مدام در حال نظر به آن است. «لیبرالیسم» یا در معنای کلی، مشی آزادی فردی در سایه دموکراسی غیرفرمایشی. به زعم من مقالات ابتدایی کتاب «سه اسلام» - بخش مفاهیم پایه مهم‌ترین قسمت های نظری آثار قوچانی ۳۰ساله را در بردارند. او در این مقاله‌ها با گزارش همیشگی‌اش از معناهایی مانند اسلام فرهنگی، اسلام فردی، اصلاح‌طلبی دینی و... جمله کلیدی‌ای را می‌نویسد که در شناخت چهره محمد قوچانی بسیار مهم است. او در مقاله «فقر لیبرالیسم و اسلام آزادیخواهانه» این طور می‌گوید: «... اگر مسیح با تفکیک امور سیاسی و روحانی پایه‌گذار سکولاریسم غربی فرض می‌شود، چرا محمد(ص) با اخلاق کریمه خود نتواند به آزادیخواهی دینی الهام بخشد؟ که اگر چنین شود، چه بسیار کسانی که یافت شوند و گردن برافراشته کنند و به آزادیخواهی خویش افتخار کنند. آنان پروای لیبرالیسم خواهند یافت. گویی این ندا در سر ما می‌پیچد که جرات لیبرال بودن داشته باش.» این تفکر یعنی توجیه‌پذیر کردن مرزهای لیبرالیسم با استفاده از ریشه‌های سنتی و دینی، در نهایت محمد قوچانی را به روشنفکران عرفی نزدیک‌تر کرده و با وجود اینکه او درک و روایت پردامنه‌تری که از روشنفکری دینی ارائه داده است در لحظه‌ای از چهره روشنفکری لیبرال استقبال بیشتری می‌کند. بر همین اصل است که او در مقاله‌های خود با تشریح اوضاع روشنفکری دینی، جناح‌های سیاسی‌ای که ریشه‌های غیرقابل انکار مذهبی دارند و روایت از چهره‌هایی چون بهشتی، شریعتی، مطهری، سروش، بروجردی و... به دنبال پلی میان روشنفکران دینی و روشنفکران عرفی است. مشی محافظه‌کارانه قوچانی در امتداد همین مسیر خلق می‌شود زیرا گستردگی مفاهیم تئوریک روشنفکرانه از سویی و جعل واژه‌ها و موقعیت‌های روشنفکرانه در ایران از سویی دیگر گاه باعث می‌شود که از واژه A، C استخراج شده و همان روندی را درک کند که روشنفکران عرفی‌ای چون شایگان، براهنی و در مقیاس‌های خردتر، نراقی یا آل‌احمد دچار آن شدند. پس بازخوانی‌های چندباره قوچانی - که از قضا اغلب از حرکت به سوی سنت و باز آمدن از آن شکل گرفته است - از ویژگی‌ها و شرایط روشنفکران یا اصولگرایان دینی نه تنها او را به اردوی سنت نمی‌برد، بلکه باعث می‌شود تا وی را روشنفکری بدانیم که برای تصحیح چهره لیبرالیسم نیازمند بازخوانی دشمنان یا منتقدان آن است. اما چیزی که قوچانی را از جریان روشنفکران آکادمی دیده و دانشگاهی به سمت دیگری می‌برد، اعتقادش در طرح مسائل فکری در قالب شرایط گوناگون سیاسی - اجتماعی است. در واقع نوعی ژورنالیسم فکری که چپ‌ها مبدع آن بودند. در این سنت - بدون در نظر گرفتن مراتب ارزشی - محمد مسعود را می‌بینیم که فضاهای شهری را مولفه بازخوانی‌های خود قرار می‌دهد، آل‌احمدی را درک می‌کنیم که در لباس احرام به جنگ غرب می‌رود، براهنی‌ای را مشاهده می‌کنیم که از جریان خشونت و سنت تندخویی تاریخی به سمت تئوری‌های حافظه ایرانی حرکت می‌کند، آشوری را که حافظ را مستمسک مفهوم سودمندی یا ناسودمندی تاریخ قرار می‌دهد، محمد قائد را که چنان بر مفاهیم انتزاعی وارد می‌شود که از دل آنها مناسبت‌های رفتارشناسانه ایرانی را تشریح می‌کند و... در این میان قوچانی در مقام یک روزنامه‌نویس، تفکر راکد دهه شصت و هفتاد را به کناری می‌گذارد و به عنوان یک تئوریسین تجربی به بازخوانی رفتارهای آیت‌الله بروجردی می‌پردازد، برای درک سمبلیسم اجتماعی آبادگران باید به سراغ موتلفه و فداییان اسلام برود، از رفتارهای اجتماعی دهه اول محرم به سمت درک سیر تطور رهبری شیعه گام بردارد و... به گمان من قوچانی که متاثر از تفکر پوپری در بازخوانی مفاهیم بنیادین روشنفکری است، از دل سنتی بیرون آمده که درک تاریخ ایران به او فرصت تئوریزه کردن مشی محافظه‌کارانه‌اش را می‌دهد. در سایه این درک است که درمی‌یابد نمادها و پتره‌های روشنفکری عرفی یا لیبرال، چنان تخریب شده‌اند که او نتواند دور از برچسب چپ‌گرا بودن به بیان مولفه‌هایی بپردازد که در نهایت قرار است او را به خوانشی از روشنفکری متصل کند که در آن «آزادی فردی» قلب تپنده است. پس ما در آرای قوچانی با مشی‌ای روبه‌رو هستیم که در وهله اول در حال زدودن تفکرات و ادراک‌های پوپولیستی از چهره پراهمیتی چون بروجردی، آل‌احمد، شریعتی، مطهری و... بوده و در وهله بعد به دنبال راهکارهایی برای برون‌رفت از بحران روشنفکری التقاطی ایران است. این دو نکته است که تلاش‌های محمد قوچانی را به سمت پذیرش تئوری «سودمندی تاریخ» وادار کرده تا در مسیر آن بتواند به تحلیل و از آن مهمتر روایت داستان‌گونه موقعیت‌های تاریخی بپردازد. محمد قوچانی در این راه محافظه‌کاری را- که این نوع آن از دل میراث روشنفکر - نویسندگان سال‌های دهه چهل و پنجاه برآمده- برای نوع روایت‌اش برمی‌گزیند. با وجود اینکه او مدام در حال تئوریزه کردن بسیاری از مفاهیم و رفتارهای اجتماعی گرایش‌های مختلف جامعه ایران است، این اتهام به او وارد می‌شود که او حتی در ساده‌ترین گزارش‌هایش به دنبال «پیچیده کردن» برخی ذهنیت‌ها و رفتارهای برآمده از رئالیسمی عامیانه است. من در مقام دفاع یا تکذیب این اتهام نیستم اما می‌توانم به این نکته اشاره کنم که قوچانی با وجود تامل در مشی پوپری در باب درک جامعه ایرانی دلبستگی دیگری نیز دارد و آن گرایش به نوعی تفکر پدیدارشناسانه است. شاید جمع این دو رویه از منظر فلسفی ذهنیت‌های آکادمیک‌تر را به خشم آورد اما آمیختگی مفاهیم پایه با حواشی تاریخی از یک‌سو و مهاجرت فرامتن به دل متن قوچانی را وادار به در نظر گرفتن یک روند پدیدارشناسانه اینچنینی کرده باشد. دقت داشته باشیم که اعم مقالات قوچانی در هر دوی این کتاب‌ها به دلیل برخی رویدادها و خرده‌روایت‌های سیاسی یا اجتماعی شکل گرفته‌اند که در بطن آنها تضادهای ناصواب یا صواب تئوریک، ذهن این تئوریسین روزنامه‌نگار را به خود مشغول کرده است. در هر حال قوچانی در دو کتاب نامبرده- به‌خصوص سه اسلام - ساختاری را می‌آفریند که در پس آن مفهوم دفاع از روشنفکری باعث می‌شود تا ما روشنفکری را دریابیم که خود را برای حرکت به‌سوی آشتی‌دادن جامعه با مفهوم تحقیر شده روشنفکر لیبرال آماده می‌کند. شاید.

### ■ سنگر و قمقمه‌های خالی

محمد قوچانی- تامل من در این مقاله بیشتر بر مبنای کتاب سه اسلام قرار دارد- از طبقه‌ای است که با وجود تاثیرگذاری فراوان فراموش شده است: طبقه متوسط. این امر در بررسی آرای روشنفکرانه او تاثیر بسزایی دارد زیرا در پناه ویژگی‌های رفتاری این طبقه است که اصلاح‌طلبان بعد از یک دهه و نیم از آغاز روزگار جمهوری اسلامی به قدرت رسیده و بعد در سایه دور شدن از مولفه‌های فکری همین طبقه قدرت را از کف دادند. از ویژگی‌های مهم نویسندگان و روشنفکران برآمده از طبقه متوسط ایران روحیه روایی و گزارش‌گری است که اغلب بر پایه میانه‌روی تاکید بر رئالیسم و از همه مهمتر تاریخ‌نگری ساخته شده است. این منش در مسیر روشنفکری ایران اغلب تحت تاثیر سمپاتی چپ‌گرایی، تحریف شده و گاه هیئت مانیفست و بیانیه را به خود گرفته است. اگر دقت کنیم این روحیه مانیفست خواه چپ‌گرا را در بسیاری از آثار فکری و داستانی این چند دهه می‌توان پیدا کرد. آل‌احمد در غربزدگی، براهنی در ظل‌الله، بزرگ علوی در ۵۳ نفر یا روایت و... (نمونه‌های ادبی‌تر به فهم ماجرا کمک بیشتری می‌کنند) از سویی دیگر و همان‌طور که قوچانی تاکید دارد مشروطه‌خواهان که سردمداران آن اغلب از طبقه بورژوا یا تجددخواه بودند در روز کودتای ۲۸ مرداد حیات خود را در پایین‌ترین درجه هستی‌شناسانه درک کرده و آنچه ماند و حرکت کرد مشروعه‌خواهانی بودند که اغلب در کسوت سنت‌گرایان به فعالیت مشغول بودند. در واقع آن طبقه‌ای که قرار بود در کنار سنت‌گرایان منتقل‌کننده تفکر مشروطه باشد چنان تخریب و به انزوا کشانده شد که با وجود حضور در جریان‌های فکری ایران در منگنه میان سنت‌گرایان و تجددخواهان چپ گرفتار آمد. این ادبیات در سال‌های دهه شصت نیز ادامه پیدا کرد و تازه بعد از خرداد ۷۶ بود که طبقه متوسط توانست حضور دوباره فکری و اجتماعی‌اش را اعلام کند چه طبقات پایین جامعه که هدف چپ‌گرایان بودند در راستای تفکرات سنت حرکت می‌کردند و طبقه مرفه و اشرافی‌تر هم نمایندگانی در هر دو گرایش عمده داشت. تلاش محمد قوچانی در باب قرائت دوباره از روزگار و آرای چهره‌ها و جریان‌های پرامتداد سنت‌گرایان (در شکل‌ها و نحله‌های مختلف) و روایت- تاکید می‌کنم روایت- سرانجام چپ‌ها و رفتارهای آنها در تقابل با این جریان اصلی اشاره به واقعیتی دارد و آن ارائه و تئوریزه کردن جایگاه طبقه متوسط در این نظام دیالکتیکی است. قوچانی در این منش می‌کوشد از روایت تفکر- که الگوی بسیار فراگیری بوده و هست- به سمت تفکر روایی حرکت کند. این جنبه از منش قوچانی علاوه بر خلق فضاهایی جذاب‌تر او را دچار بازخوانی و استفاده از نثری می‌کند که در آن مشی زبانی اهمیت دوچندانی دارد و اتفاقاً خنثی و صرفاً بیانی نیست. تفکر طبقه متوسط و نویسندگان و روشنفکران برآمده از آن برعکس اغلب مرام‌های دیگر کمتر به عنوان ساختار سنتی و کلاسیک مورد توجه قرار گرفته بود و به همین دلیل «روایت» به معنای در صحنه قرار دادن خرده‌روایت‌ها برای ترسیم یک فضا و یا یک رفتار اغلب جنبه‌ای اخلاقی پیدا کرده بود. در این نوع ادبیات روشنفکرانه، مفاهیم بر پایه محور قرار دادن یک اصل و بعد محاصره کردن و نبردهای واقعی یا کاذب با آن صورت می‌گرفت، صدق و کذب اصل جدل بود و به همین دلیل روایت می‌بایست توجیه منطقی و دراماتیک پیدا می‌کرد. کار محمد قوچانی فراروی از این سنت بود، نمونه‌های درخشانی مانند آثار محمد قائد، سروش و مسعود بهنود در حوزه‌های فکری‌تر، برآیندی از یک تفکر روایی بود که ردپای آنها را می‌توان در بسیاری از آثار و زبان قوچانی جست‌وجو کرد. در این منش خونسردی و میانه‌روی زبان در عین سادگی مفاهیم مورد بحث روایت را دچار تاویل‌پذیری‌های گوناگون می‌کرد. با این نگاه محمد قوچانی از سویی سر در سنت نثرنویسی‌ای دارد که انگاره‌های ادبیات کلاسیک را مدرن‌تر کرده و اهل قضاوت نیست و از سویی دیگر نگاهی به ساختارهای پرسش‌گر آن رویه فکری انداخته است. این روزنامه‌نگار برآمده از طبقه متوسط، برای ارائه آرای خود به چنین نسبت فراموش شده و یا در انزوا نگه‌داشته شده‌ای متوسل می‌شود. جایی که در آن روایت وضعیت‌های فکری مختلف از جنبه صدقی یا کذبی خارج شده و در تلاش است تا با یافتن سرنخ‌های تئوریک مفاهیم برای آنها چارچوب‌هایی متنی‌تر بیافرینند. در کتاب سه اسلام نیز ما با چنین برخوردی روبه‌رو شده‌ایم. در مقاله‌های این کتاب چهره‌ها و مفاهیم در امتداد یک روایت خونسرد در جست‌وجوی جایگاه‌های فکری و طبقاتی صاحبان و آفرینندگان آن می‌گردند. قوچانی خواسته یا نخواسته، به جست‌وجوی ذهنیتی رفته که در آن تفارق‌ها و تفاوت‌های اندیشه‌ای و رفتاری در کسوت جزئیات و ناهم‌شکلی‌های زیستی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بنابراین مشی روایی قوچانی در جست‌وجوی پاسخ به فرض‌ها نیست، در عین حال نمی‌خواهد سئوال را محور روایت‌اش قرار دهد، بلکه در تلاش برای ایستادن در وضعیتی است که طی آن بتواند بدون گذر از جزئیات و در عین حال با دور شدن از مشی انتقادی حزبی- عقیدتی، تئوری «زندگی در دنیای متن» و تلقی ریکوری‌اش از روایت را ارائه دهد. به همین دلیل است شاید که محمد قوچانی با در نظر قرار دادن ویژگی‌های فردی و کلیات فکری هر چهره و یا جریان به کندی و آرامی به سراغ روایت او- در ساحت یک تفکر- در محدوده متنی می‌رود که آن چهره یا جریان در آن تنفس کرده است. تلفیقی از وجهه بیوگرافیک و تفسیری که اجازه می‌دهد تا مخاطبان اصلی‌اش یعنی طبقه متوسط بتوانند از طریق انعطاف‌پذیری او به هم‌زیستی با آن مفهوم متنی بپردازند. نکته مهم این نوع روایت حرکت از جزء به کل است و او به عکس برخی تئوریسین‌های سیاسی- فرهنگی پایه بحث اولیه‌اش را بر کلیات نمی‌گذارد. شاید به همین دلیل باشد که بسیاری از اتفاق‌های ریز و درشت اجتماعی و گاه خبری، منشاء مقالات روایی او قرار می‌گیرد که او در سازمان روایی‌اش به دنبال استفاده از تداعی‌ها برای زنده کردن حافظه‌ای است که خیلی زود دچار فراموشی می‌شود. شاید این نگاه روایی است که قوچانی را به نویسندگان روشنفکر نزدیک‌تر کرده چه چهره‌های آکادمیک اغلب تاب چنین تفسیری از مقاله ژورنالیستی را نداشته و به سنتی پایبند هستند که در آن روایت تفکر، ارزشی افزون‌تر از تفکر روایی دارد... محمد قوچانی ذهنی تماتیک دارد و بر همین اساس است که مقالات‌اش را بر پایه روایت- و نه گزارشی صدق و کذب‌گونه- قرار می‌دهد. او در کتاب‌هایش اعم از نازی‌آبادی‌ها، سه اسلام، پدرخوانده و راست‌های جوان، فیلسوف‌ها و شومن‌ها و... به سمت تفکری حرکت می‌کند که در عین محافظه‌کاری قرار نیست سنت و تجدد را آشتی دهد و فقط می‌کوشد راوی زیرک تفکرات آنها باشد. بسیاری از مقالات او تعریف روایی مفاهیم و گرایش‌هایی است که کمتر در بوته روایت قرار گرفتند. این میراث طبقه متوسط قوچانی و همفکران او را در مقابل پرنفوذترین جریان‌های روایت تفکر یعنی سنت‌گرایان و تجددخواهان چپ‌گرا قرار داده است. جریان‌هایی که هیچ‌یک تاب لیبرالیسم را ندارند و در عین حال از اهرم قدرتمندی از جریان سنت‌گرایان آکادمیک هم برخوردار هستند. دو کتاب سه اسلام (مکتب نجف، مکتب قم، مکتب تهران) و پدرخوانده و راست‌های جوان را انتشارات سرایی به بازار فرستاده است.

**عنوان مقاله برگرفته است از مجموعه شعری از احمد شاملو.**

**پدرخوانده و راست‌های جوان**
**محمد قوچانی**
**انتشارات سرایی**
**چاپ اول-۱۳۸۵**
**تعداد: ۲۲۰۰**
**قیمت: ۳۳۰۰**

**خلاصه مطلب**

**۱- سه اسلام به «روح بلند» آیت‌الله بروجردی و پدرخوانده و راست های جوان به روح بلند مهندس بازرگان تقدیم شده است. این تقدیم‌نامه‌ها در کنار محور قرار گرفتن این شخصیت‌ها در بسیاری از مقاله‌های منتشر شده در کتاب نشان از دلبستگی فکری نویسنده به دو سنت مهم دارد.**
**۲- در آرای قوچانی با مشی‌ای روبه‌رو هستیم که در وهله اول در حال زدودن تفکرات و ادارک‌های پوپولیستی از چهره پراهمیتی چون بروجردی، آل‌احمد، شریعتی، مطهری و... بوده و در وهله بعد به دنبال راهکارهایی برای برون‌رفت از بحران روشنفکری التقاطی ایران است.**

## یادداشت

### گزارشی از کتاب یهودیت، مسیحیت و اسلام
# همه فرزندان ابراهیم

مژگان ایلانلو

«و چون ابرام نود و نه ساله بود، خداوند بر ابرام ظاهر شده، گفت: «من هستم خدای قادر مطلق، پیش روی من بخرام و کامل شو. و عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست و تو را بسیار بسیار کثیر خواهم گردانید.» آنگاه ابرام به روی در افتاد و خدا به وی خطاب کرده، گفت: اما اینک عهد من با تو است و تو پدر امت‌های بسیار خواهی بود و نام تو بعد از این ابرام خوانده نشود، بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود؛ زیرا که تو را پدر امت‌های بسیار گردانیدم. و تو را بسیار بارور نمایم و امت‌ها از تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند. و عهد خویش را در میان خود و تو و ذریتت بعد از تو استوار گردانم که نسلاً بعد نسل عهد جاودانی باشد تا تو را و بعد از تو ذریت تو را خدا باشم. و زمین غربت تو یعنی تمام زمین کنعان را به تو و بعد از تو به ذریت تو به ملکیت ابدی دهم و خدای ایشان خواهم بود.»

**(عهد عتیق - سفر پیدایش ۱ : ۱۷ - ۱۰)**

و بدین گونه بود که فرزندان ابراهیم هر کدام منشاء طایفه‌هایی شدند که این طایفه‌ها خود بنیانگذار ادیانی بزرگ و تاریخی گشتند. اسحق، سرسلسله یهودیان شد و اسماعیل سرسلسله مسلمانان. گذشته از تشکیک تاریخی که ذبیح، اسماعیل بوده است یا اسحق، فرزندان ابراهیم در نقاط جغرافیایی نزدیک به هم سکنی گزیدند و متاسفانه در همه دوران‌ها و زمان‌ها با یکدیگر به جنگ و نزاع پرداختند، که شرح این جدال بی‌پایان باشد برای وقتی دیگر؛ و اما آنچه که به این متن مربوط می‌شود داستان پدید آمدن سه دین بزرگ؛ یهودیت، مسیحیت و اسلام در خاورمیانه است که از قضا همه با هم خویشاوندند و مشترکات آنها، آنقدر بسیار است که بهتر است درباره وجوه تفاوت سخن بگوییم تا ابعاد فراوان تشابه. ادیانی که به گروه ادیان ابراهیمی یا همان ادیان توحیدی شهرت دارند و مسلمانان برای تفاوت ذاتی میان این گروه با ادیان دیگر، آنها را ادیان آسمانی می‌نامند. به هر حال مطالعه تطبیقی متون مقدس و باورهای بنیادی این سه دین خویشاوند، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای تمامی محققان و پژوهشگران حوزه ادیان است.

و با توجه به فقر تاسف‌انگیز منابع مطالعه تطبیقی در این موضوع، می‌توان تولد هر اثر جدید به زبان فارسی را مبارک شمرد و از آن با اشتیاق فراوان یاد کرد.

به ویژه اگر اثر تولید شده در حوزه مطالعات بنیادی و کتب مرجع باشد. به همین منظور ضروری است تا از ترجمه کتاب «یهودیت، مسیحیت و اسلام» به زبان فارسی استقبال کنیم و آن را برای مطالعه بیشتر به پژوهشگران حوزه دین معرفی نماییم. این کتاب سه جلدی که توسط «اف. بی. پیترز» با عنوان اصلی Judaism, Christianity And Islam: the Classical Text and their interpretation. به چاپ رسیده است از سوی حسین توفیقی به زبان فارسی برگردانده شده و انتشارات «مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم» آن را به چاپ رسانده است؛ مرکزی که در سال‌های اخیر کتب بسیار خوبی را در حوزه مطالعات ادیان و به ویژه ادیان تطبیقی به بازار کتاب ارائه کرده است.

مولف در مقدمه خود بر کتاب مذکور می‌نویسد «موضوع کتاب حاضر این است که قوم خداوند از او چه چیزی شنیدند و شنیده‌های خود را چگونه فهمیدند.» اگرچه هر گروه از فرزندان ابراهیم سخنان گفته شده از سوی خداوند را به گونه‌ای متفاوت تفسیر کردند. تلاش نویسنده در این مجلدات بر این است که انواع این تفسیرها را با وفاداری کامل به متن اصلی کنار هم بیاورد و بستری مطمئن برای پژوهشی جذاب در حوزه متون مقدس ادیان ابراهیمی برای پژوهشگران فراهم کند.

او همچنین تاکید می‌کند که سه شخصیت برجسته یوسیفوس یهودی، یوسبیوس مسیحی و ابن هشام مسلمان در کتاب حضور دارند و در بسیاری از موارد به آثار آنها استناد شده است.

مترجم نیز در مقدمه خود بر کتاب نوشته است که کتاب گلچینی از آثار دانشمندان بزرگ یهودی، مسیحی و مسلمان است که سه دین ابراهیمی یادشده را از سه جنبه بررسی و مقایسه می‌کند: معرفی آن سه دین، تحت عنوان از عهد تا جامعه که در جلد اول صورت گرفته است، در جلد دوم معارف آن سه دین که تحت عنوان کلمه و شریعت و قوم خدا مطرح شد و جلد سوم که به عرفان سه دین تحت عنوان اعمال روح می‌پردازد.

مترجم همچنین معتقد است که پدید آورنده کتاب اف. بی. پیترز استاد مطالعات ادیان در دانشگاه نیویورک، عین سخنان متفکرانی از قبیل فیلو، ابن میمون، آگوستین، اکویناس، شیخ مفید، ابن سینا، غزالی و ابن رشد را در زمینه‌های تاریخی، اعتقادی و عرفانی فراوانی در کتاب خویش آورده و آن منقولات را با عباراتی بسیار کوتاه به هم پیوند داده است. این دانشمند به خوبی از عهده مقایسه ادیان سه‌گانه برآمده و کتاب حاضر را اثری بدیع در این موضوع می‌داند. به هر حال مطالعه کتاب مذکور برای پژوهشگران حوزه ادیان مطالعه‌ای دلچسب و پرفایده خواهد بود. مطالعه‌ای درباره همه فرزندان ابراهیم.